

# آثار عتیقه بودائی باهمیان

ملاحظات تاریخی و مطالعات تصویرشناسی

کشفیات و تحقیقات موسیو گودارد، مادام  
گودارد و موسیو هاکن فرانسوی

ترجمه آقای احمد علی خان

در ماه نوامبر ۱۹۲۲ (از اول تا ۹ نوامبر) موسیو الفرد فوشه  
Alf. Foucher رئیس هیئت اعزامی عتیقه شناسی در افغانستان اقامتی  
در باهمیان نموده و این اولین دفعه بود که یک نفر متخصص برای تحقیقات  
و تشریحات آثار عتیقه این محل مشهور تاریخی که از طرف عده زیاد  
مسافرین اروپائی خاطر نشان شده بود، حاضر و شروع بکار نمود.  
اولین شرحی که موسیو الفرد فوشه راجع به تجسسات عتیقه شناسی در  
افغانستان نوشته و بموسیو «ایمیل سنار» Emile Sénart عضو موسسه  
و رئیس کمیسیون مشاوری فرستاده بود در «مجله آسیائی» Journal  
Asiatique مندرج و عبارت از یک مقدمه ابتدائی و ملاحظات  
فوری است که در اصل اساس و مبده عمده انات بودائی خطه باهمیان  
و سایر نقاط افغانستان را تشریح میدهد.   
این ملاحظات اولی که حاوی معلومات بلند عتیقه شناسی است سودمند  
ترین مدرسه برای شناختن حقایق تاریخی باهمیان میباشد. از این  
روم خواستیم صفحات اولی این کتاب را که باحث از آثار عتیقه  
باهمیان است باجملات اولیه نونه تحریری موسیو فوشه مزین نمائیم.

دره باهمیان یا واضح تر بگویم حبه که مخصوصاً باین اسم یاد میشود (۱)

(عکس سوم) پانزده کیلومتر طول و در عرض ترین نقاط خود ازدو ناسه کیلومتر

عرض دارد (عکس ۰۳ ب) کشت گندم و جو مانند عصر هونتسن Hiun-Tsang

در فصل بهار میشود، «گل و میوه» کم بار میدهد، درخت توت و ناک وجود ندارد.

اشجاری که درین خطه غرس میشود فقط عبارت از بید و چنار است. عایدات مهم

(۱) از تقاع دره باهمیان از سطح بحر تقریباً ۳۰۰۰ متر میباشد.

این منطقه را تریبه روه ها تشکیل میدهند - انسان اگر باین فکر نکند که بامیان کنار شاه راه هند و آسیای علیا واقع است هرگز فهمیده نمیشود که يك دره بدین تنگی و بی عایدی چطور توانسته « يك هزار راهب فقیر » را تغذیه کند. و به پول چه کیسه چنین عمرانات مذهبی که عظمت و جلال آن « چشم را خیره » میکند آباد شده است؟ بلی فراموش نباید کرد که ساکنین محلی نادیده اخراج و شیوه بذل و بخشش مخصوصی داشتند چنانچه طرف تمجید و تحسن « هونتسن » چینائی واقع شده اند علاوه برین چون تجار بزرگ معبر برای پیشبرد و کامیابی کارها و شهرت اسم و نشان خود نذرها و اغانه ها میدادند و از باب معابد را از هر رهگذر کمکها می نمودند. برای تزئینات این محل یا بعبارت اخیری برای ساختمان « ده معابد » و طرح نقش تصاویر و مجسمه های بزرگ آن که عوامل شهرت و افتخار دره شده اند مبالغه کافی برداشته اند. خلاصه عامل مهم و ترقی و ثروت دره بامیان همان نارت و آمد دائمی قافله ها بوده است.

این ملاحظیات اقتصادی که اصلاً درست و ماہم به آن ایقان کامل داریم باز هم مسئله را با تمام خل نمیکنند، جواب بگجسه آن که چرا عمرانات بدین ابهت و جلال فقط درین منزل و نقطه دره واقع شده است باقی میماند. درست است که در آنوقت قافله ها زیاد از بامیان عبور میکرد لیکن چرا این عمرانات مالی، مذهبی که بقایای آن هنوز ما را به شگفت و تعجب میاندازد بعد از طی فواصل سرك طویل فقط درین منزل ساخته شده است؟ علت این مسئله چندین جهات جغرافیائی است که کم و بیش برهان قاطع شده میتوانند. علت اولی که نسبتاً کمتر قانع کننده و در عین حال بی موضع نیست همان است که بامیان در مناصفه راه با کریان و پشاور واقع است، علت دومی این است که مانند عادات امروزی میشود در بامیان آذوقه مصرف



رسیده را دوباره تهیه کرده، بعضی نواقص و مرمت کارهای لوازم سفریه را تهیه و انجام نموده انگاه منزل را قرار مرام خاطر خود طویل گرفت زیرا فراموش نباید کرد که هر چند دره تنگ است باز هم چون از کج گردشی هائیکه رودخانه غور بند تعقیب میکند خارج شوید به حصه فراخی میرسید که حایز بازار کوچکی میباشد که بقدر کفایت بر جوش و از ذخائر احتیاجات ابتدائیه مملو میباشد. کسبه که وجود آنها در زندگانی خیلی ها دخیل است مثل خیاط، سراج، آهنکار، بوت دوز دیده میشود. چون از جانب شمال باین دره فرود آئید قبل از هیبک هیچ آثار بودائی دیده نمیشود بدین منوان جناب شرق هم تا زمانیکه در دره غور بند هستند آثار بودائی دیده نمیشود، همینکه از دره موصوف خارج شدید فقط نزدیک قریه چاریکار به اولین آثار بودائی بر میخورید پس معلوم میشود که شرقاً و شمالاً وضعیت فواصل دو طرفه بامیان یکسان است لیکن علت قطعی که ما طالبیم مانند سایر نقاط آسیای بودائی مانند « اجانتا » Ajanta و « الوارا » Ellora در هند، « یون کنگ » Yun Kang و لانگ من Long Men در چین، ( اکتفا به اشاره همین چند جا نموده از سایر نقاط صرف نظر شد ) ساختمان طبقات اراضی و مخصوصاً توپوگرافی محلی بمباید. علت قطعی حفر سمج ها و تراشیدن اصنام در بامیان وجود جدار سنگی است که فوق العاده برای این نوع کار لایق و مناسب می باشد. در قسمت وسطی دره که به نشیبی منتهی می شود جدار موصوف به قلم و چکش کاریگران صفحات بلند عمودی تقدیم میکند چنانچه توجه بودائیان را بخود جلب نموده در نتیجه اعانه دهندگان و مهندسین شان آنرا طرف استفاده قرار داده اند ( عکس ۱ ) درین جدار سنگی ( کونگلو مرا ) Conglomerat ( اختلاط گل و سنگ ریزه ) ایشان صفحاتی را که دانه های سنگ ریزه آن کوچک و نسبتاً سخت تر می باشد برای حفر معابد

و تراشیدن هیكل ها انتخاب کرده اند چنانچه مجسمه ها مانند خود دانه کوهی که در آن تراشیده شده اند سخت ، بادوام و غیر قابل تخریب می باشند ، چنین اصول ساختمانی که بزودی انهدام را قبول نمیکنند ، امید می رود تا قرون متمادی دوام کنند این را ( نوشته جات هندی واضحاً نشان می دهد ) سبب شد تا مؤسین زیاد بر زیاد اعانه و پول به پردازند .

پس گفته میتوانیم که علت تاسیس و تعمیر معابد بامیان که امروز خرابه ها و بقایای آنرا ملاحظه می کنیم وجود اتفاقی چنین محل مساعد و بدیع منظری است که در کنار شهر اه مهیج و برجوش هند و آسیای علیا افتاده است . درین باب مثال دیگری هم دارد که بایستی با گفته نگذریم : در همین دره يك قسمت دیگر تشکیلات طبقات الارضی دیده می شود که زیارتگاه گردیده است چنانچه در آتی به تفصیلات آن می پردازیم ( عکس : ۳۸ - ۳۹ - ۴۰ )

حالا باید باین پیردازیم که اولین ابنیه بودائی یعنی همان معبدی که قرار گفته هونستن : ( آریا یک پادشاه قدیم ساخته بود ) و در حقیقت باعث تعمیر و ساختمان سائر عمارات این منطقه شده در چه عصر و زمانی بنا شده است . ما بکمال میل تاریخ این ابنیه اروپائی را قرن اول مسیحی تعبیر میکنیم و گمان داریم این عمارات در عصری ساخته شده که معبر مهیج بامیان هندو کشر را قطع و دو حصه هندی و سیتی Cythique امپراطوری وسیع مسخر کنندۀ اعظم کوشان کانیشکا Couchan Kanishka بوده است علاوه برین این زمانه عصری را یاد دهانی میکنند که بلخ مرکز تجارتی بین المللی و مدارسه شهر اه عمده آسیا بوده که از طرف غرب جانب امپراطوری رومن ، از طرف شمال شرق جانب چین و از طرف جنوب شرق جانب هند منشعب بوده است بالاخره زمانه تعمیر عمارات



بامیان به عصری مصادف است که امپراطور بربر داخل مذهب بودائی شده تمام اقتدار و دارائی خود را وقف نیات مذهبی و عظمت موسسات آن نمود. درین فرصت غنی ترین قافله ها که هرگز با میان نظیر آنرا ندیده بود از دره عبور کرده، صنعت گریکو بودیک Greco - Bouddhique که قبلاً در دره کابل و گندهارا بمنتهای عروج رسیده بود بکمال سرعت و فعالیت منزل بمنزل جانب با کتریان و آسیای مرکزی پیشرفت هیچ شک نیست که بعداً در مواقع و قرون مختلفه نسل های متعددی برای کثرت، وسعت، حشمت و جلال معابد بامیان کوشش و کارروائی نکرده باشند بالاخره چون معبر تجار فی و سوقیات متهاجین همان یک شهر آید بود در اثر تهاجمات «سیت ها» Scythes، هن ها Huns و ترک ها آهسته آهسته بودائی ها یا از محلات خود کشیدند. اگر چه هنگامیکه هونستن چینائی در اوایل قرن هفت مسیحی وارد این دیار شده بود، بودائی ها هنوز به منتهای ترقی خود بودند، معذالک آفتاب عروج شان مشرف بر زوال شو و در نتیجه از قوت و رونق به تخلیه محلات نموده حتی یکی از اماکن مقدیه خود را تسلیم دیانت مقدس اسلام نموده بودند.

هنگامیکه زوار چینائی دره بامیان را عبور می نمود ( یدغمبر ما حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم نازه رحلت نموده بودند ) ( ۶۳۲ مسیحی ) و قرن ۷ قریب به اتمام بود که اولین متهاجین عرب به افغانستان سر کشیدند. راهین بودائی چیزی مقتول، چیزی نفی بلد و چیزی مسلمان شده، معابد شان ویران و متروک و اصنام آنها کم و بیش بحالت شکسته و ریخته ماند. پایبخت قدیم بودائی که هونستن موقعیتش را بطرف جنوب غربی خود دره بامیان و جنوب غربی اصنام بزرگ خاطر نشان کرده بود ویران و خراب شده، ارک شهر

غلغله (تصویر ۴ و ۵) که در دامنه مقابل بطرف جنوب شرقی اصنام واقع است عوض شهر قدیم شاهي آباد و معمور گردید. اگر انسان افسانه های محلی و قصص تواریخ را باور کند شهر اخیر الذکر هم بنوبه خود در نیمه اول قرن ۱۳ مسیحی یعنی سنه ۱۲۲۱ بدست چنگیز خان خراب شد. همچنین شهر قدیمی دیگری موسوم به شهر ضحاک (تصویر ۰۲ ب) که در مدخل شرقی دره واقع است در قطار سائرین منهدم و نابود گردید. پس ازین جا ملتفت باید بود که بامیان فعلی حایز دو دسته خرابه ها میباشد یکی بودائی و دیگری اسلامی. و چون این دو حصه خرابه ها به دو عصر معین و مجزائی مربوط اند هر کدام مطالعات علیحده بکار دارند.

انعام



پژوهشگاه علوم انسانی  
رتال جامع علوم انسانی

با شخصان بزرگ عظمت يك جامعه را تشكيل می دهند .

« لاکور در »



طفولیت را بگذارد در اطفال پخته شود .

« ژان ژاک روسو »